

آیا ابلیس هم جن است؟!

در باره ی این که شیطان از فرشته بوده است یا جن دیدگاه های مختلفی وجود دارد .

منشاء این اختلاف، جریان خلقت حضرت آدم علیه السلام بود که با فرمان الهی، فرشتگان بر آدم علیه السلام سجده کردند ولی شیطان سجده نکرد.

عده ای که می گویند شیطان (ابلیس) از فرشتگان بود، استدلال شان این است که: چون در آیه ی شریفه، ابلیس از بین ملائکه استثنا شده (همه ی ملائکه سجده کردند الا ابلیس) پس ابلیس باید از جنس ملائکه باشد.

جواب: استثنا شدن ابلیس از بین ملائکه نشان دهنده ی هم جنس بودن او با ملائک نیست؛ بلکه نهایتاً می رساند که ابلیس (به واسطه ی عبادت چند ساله اش) میان ملائک و در صف آنها بوده است؛ ولی بعدها به دلیل استکبار و نافرمانی و عناد در پیشگاه خداوند سبحان، از بهشت رانده می شود. تأیید بر این مدعا چند مطلب است.

۱- خداوند در سوره ی کهف می فرماید: "شیطان (ابلیس) از جنس جنیان است."

۲- خداوند، معصیت را به طور عام از ملائکه سلب نموده است. پس ملائکه موجوداتی معصوم هستند و هرگز مرتکب گناه، عناد، تفاخر، استکبار و... نمی شوند.

۳- در برخی آیات قرآن، سخن از آباء و اجداد شیطان به میان آمده. و این مطلب می رساند که توالد و تناسل در مورد شیطان و به طور عام در میان جنیان راه دارد و حال آنکه ملائکه موجوداتی روحانی هستند که این قبیل مسایل یا حتی خوردن و آشامیدن و... در مورد آنها راه ندارد.

۴- خداوند در برخی آیات قرآن فرموده است که ملائکه را رسولانی قرار داده است. رسول یعنی فرستاده ی خدا و کسی که عنوان رسول، برازنده ی وی می گردد، احتمال هرگونه کفر و خطا و معصیت در او از بین می رود. پس چگونه ممکن است شیطان با این معصیت بزرگی که مرتکب شد، جزء ملائکه باشد؟!

علاوه بر این، اجماع علما و اخبار متواتری از ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده و حاکی از این است که: شیطان جزء ملائکه نبوده است. و همان گونه که می دانیم تواتر یکی از مهمترین ابزار کاشفیت در صدق حدیث می باشد.

پاسخ تفصیلی

محور و علت اساسی طرح این سؤال، جریان خلقت حضرت آدم علیه السلام می‌باشد. وقتی خداوند اراده فرمود که انسان را بیافریند، فرشتگان در نهایت ادب و احترام و به قصد پرسش و استفهام، از خداوند پرسیدند که: آیا ما برای تسبیح و تقدیس تو کافی نیستیم؟! و اصولاً خلقت انسان برای چیست؟ وقتی خداوند راز خلقت انسان را برایشان بیان فرمود و به فرشتگان نوید داد که انسان خلیفه‌ی خدا، در زمین است، فرشتگان متواضعانه دعوت پروردگارشان را (مبنی بر سجده بر حضرت آدم علیه السلام) پذیرفته و از سر اخلاص و احترام، بر آدم سجده کردند. در میان فرشتگان و یا بهتر بگوییم در صف فرشتگان، ابلیس قرار داشت که او نیز مدت طولانی، عبادت خداوند را می‌کرد؛ اما در درونش رازی مکتوم و مستور بود که هیچ کس جز ذات اقدس حق تعالی بر آن آگاهی نداشت. رازی که مدت‌ها پنهان بود اما در جریان خلقت حضرت آدم علیه السلام، از آن پرده برداری شد، کفر ابلیس بود. آری او از مدت‌ها قبل کافر شده بود ولی استکبار و عنادش در قضیه‌ی سجده نکردن بر حضرت آدم، از این کفر پنهان، پرده برداشت.

وقتی خداوند به همه‌ی فرشتگان و ابلیس (که در میان آنها بود و عبادت می‌کرد) فرمان داد: بر آدم سجده کنید، همه‌ی فرشتگان اطاعت کردند غیر از ابلیس که از این فرمان سرپیچی کرده و سجده ننمود. استدلالش هم این بود که: من از آتش آفریده شده‌ام و او از خاک. چگونه موجود برتر بر موجود پست‌تر سجده کند؟

گویا ابلیس از حقیقت آدم غافل بود! گویا نمی‌دید که روح الهی در او دمیده شده و انسانیت انسان و ارزش و عیارش همان گوهر ملکوتی است که از ناحیه‌ی پروردگارش به او افاضه شده. آری به گمان شیطان، آتش لطیف‌تر از گل بود - گرچه در این قیاس هم، دچار اشتباه شده بود، که فعلاً محل بحث ما نیست - او فقط جنبه‌ی ناسوتی و بدنی انسان را دیده و از مقام شامخ انسانیت او غافل شده بود! و این چنین بود که شیطان با دو عکس‌العمل مقابل دو عمل، از بهشت و درگاه عالی باری تعالی رانده شد. عکس‌العمل اول او، تفاخر بود نسبت به عمل آفرینش انسان و عکس‌العمل دومش، استکبار و در نهایت، سرپیچی بود، نسبت به خداوند و دستور الهی.

اکنون سخن در این است که آیا شیطان (ابلیس) جزء فرشتگان بود یا خیر؟ قبل از بیان پاسخ، لازم است مفردات این سؤال را به طور خلاصه مدنظر قرار دهیم تا به خواست خداوند پاسخ، از اتقان و استحکام علمی بیشتری برخوردار گردد، بدین منظور، به بررسی و توضیح چند واژه می‌پردازیم:

الف) شیطان ب) ابلیس ج) فرشته د) جن

الف) شیطان: کلمه‌ی شیطان از ماده‌ی شَطَنَ می‌باشد. شاطن یعنی موجود خبیث و پست، متمرّد و سرکش، طاغی و نافرمان. اعم از انسان، جن یا جنبندگان دیگر. حتی به معنای روح شریر و دور از حق نیز آمده، که در حقیقت قدر مشترک همه‌ی این معانی یکی است.

بنابراین، شیطان اسم عام (اسم جنس) است که به موجود مودّی و منحرف کننده (خواه انسان یا غیر انسان) اطلاق می‌شود.

در قرآن مجید و لسان ائمه معصومین علیهم السلام نیز شیطان تنها به موجود خاص اطلاق نشده؛ بلکه به انسان‌های شرور یا حتی اخلاق ناپسند، چون حَسَد، نیز شیطان گفته‌اند.

ب) ابلیس: اسم خاص (عَلَم) می‌باشد که تنها یک مصداق دارد. او کسی بود که اولین معصیت را در جهان امکان مرتکب شده و در برابر پروردگارش، دعوی استقلال کرد. تفاخر و استکبار نمود، از فرمان مولایش ابا کرد و سرانجام نیز از بهشت رانده شد.

نام غیر شریف ابلیس “عزازیل” بوده است و ابلیس، از ماده‌ی “ابلاس”، در واقع لقب او می‌باشد. ابلاس یعنی مأیوس شدن و شاید به این اعتبار که ابلیس از رحمت خدا مأیوس شد، این لقب را گرفت.

ج) فرشته: مناسب است به پاره‌ای از صفات فرشتگان اشاره کرده تا بتوانیم نتیجه بگیریم که چون فرشته راهی به سوی معصیت ندارد؛ بنابراین شیطان نمی‌تواند از جنس فرشتگان باشد.

فرشتگان موجوداتی هستند که خداوند در موردشان بهترین توصیف را در قرآن مجید آورده است. آنجا که می‌فرماید: “بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ، لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهٖ يَعْمَلُونَ” در نهاد فرشتگان هرگز خلاف حق، چیزی نبوده و همیشه و در همه حال مشغول عبادت و اطاعت پروردگارشان هستند. موجوداتی هستند معصوم. خود و ضمیر پاکشان را هرگز به گناه آلوده نمی‌کنند. مهمتر از همه، اطاعت و انقیادشان در برابر پروردگارشان است. اظهار عجزشان در برابر آنچه نمی‌دانند و عدم تفاخر و استکبار در برابر آنچه می‌دانند. زیرا یقین دارند که داشته‌هایشان نیز از سوی ذات ربوبی حق تعالی است و اگر لحظه‌ای اراده‌اش بر ندانستن چیزی تعلق بگیرد، آنچه می‌دانند نیز تبدیل به نادانی خواهد شد.

آری مهمترین تفاوت فرشتگان و شیطان در جریان خلقت و سجده‌ی بر آدم علیه السلام هویدا می‌شود. زیرا فرشتگان با جان و دل دریافتند که علم اسماء را نمی‌دانند؛ یعنی فهمیدند که چیزهایی را نفهمیده‌اند. اما شیطان با عناد و استکباری که داشت می‌اندیشید همه چیز را می‌داند و هرگز نفهمید که سجده‌ی بر آدم به جهت علومی است که از سوی خدا بر حضرت آدم علیه السلام افاضه شده و ذهن تاریک او را هیچ راهی بر یافتن آن علوم نیست! یعنی کبر و غرورش مانع از فهمیدن او شد و سرانجام مانع از سجده کردنش! زیرا ابای او از سجده نیز، ابای استکباری بود نه اینکه طاقت یا توان سجده را نداشته باشد!

با این توضیحات روشن می‌شود که چون فرشته، معصوم محض می‌باشد، گناه در او راه ندارد. وقتی گناه راه نداشت، پس تمام کارهایش اطاعت محض پروردگار است. اگر اطاعت برای موجودی واجب و ضروری شد پس کفر و استکبار و معصیت از او ممتنع است. (این دلیل، اولین دلیل عقلی بر تفاوت شیطان با فرشته است و در نتیجه، فرشته نبودن شیطان است).

قبل از بیان سایر ادله‌ی عقلی و نقلی، لازم است به توضیح مختصری در مورد جن پردازیم.

(د) جن: جن در اصل، چیزی است که از حواس انسان پوشیده شده است. قرآن کریم وجود چنین موجوداتی را تصدیق نموده و درباره‌ی آنان مطالبی بیان کرده و جنس آنها را از آتش می‌داند؛ همچنان که نوع بشر از خاک آفریده شده. البته خلقت این موجودات نیز قبل از انسان بوده است.

برخی از دانشمندان، از جن تعبیر به نوعی از ارواح عاقله می‌کنند که مجرد از ماده می‌باشند. البته پیداست که مجرد کامل ندارند؛ زیرا چیزی که از آتش آفریده شده، مادی است و یک حالت نیمه مجرد دارد، به تعبیر دیگر نوعی جسم لطیف است.

از آیات قرآن بر می‌آید که جن نیز مانند نوع بشر، دارای اراده و شعور است و کارهای سخت را نیز می‌توان انجام دهد و مؤمن و کافر نیز دارد. بعضی صالحند، بعضی فاسد. مانند انسان زندگی و مرگ و قیامت دارند. ... مذکر و مؤنث داشته و از دواج و تکثر نیز در میان آنها هست.

و اما سخن اصلی در اینکه آیا ابلیس جزء ملائکه بوده یا خیر، بین دانشمندان اختلاف نظر وجود دارد و منشأ آن اختلاف، شاید تمسک به برخی آیات قرآن مجید باشد.

عده‌ای که می‌گویند، شیطان (ابلیس) جزء ملائکه است، دلیل عمده‌ی آنان، استناد به آیه‌ای است که خداوند فرموده: “وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ”. زیرا در این آیه، ابلیس از سجده کردن استثنا شده و مستثنی منه در این جمله، ملائکه است و در نتیجه ابلیس جزء ملائکه می‌شود.

ولی حق این است که ابلیس جزء ملائکه نمی‌باشد. اخبار متواتری که از ائمه هدی علیه السلام رسیده و امامیه در آن اجماع دارند، همگی تأکید بر این مطلب است که ابلیس جزء جنیان بوده، نه فرشتگان! و برای این مطلب چند استدلال وجود دارد که ما به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم.

۱- خداوند تعالی فرموده: “...إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ” یعنی... ابلیس از جنس جن بوده است.

۲- خداوند تعالی فرموده: “لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ” خداوند درباره‌ی ملائکه فرموده است که: به هیچ وجه خدا را عصیان نمی‌کنند. یعنی به صورت عام از ملائکه نفی معصیت شده و این می‌رساند که اولاً، هیچ یک از ملائکه و ثانیاً، هیچ گونه معصیتی، را مرتکب نمی‌شوند.

۳- خداوند فرموده: “افتتخذونه وذُرّیه اولیاء من دونی وهُم لکم عدو” و این مطلب می‌رساند که در میان جنیان ذریه و نسل یا به عبارتی توالد و تناسل وجود دارد و حال آنکه فرشتگان خلقتشان روحانی است و این قبیل مسایل بین آنها وجود ندارد.

۴- خداوند می‌فرماید: “جاعل الملائکة رسلاً” یعنی خداوند ملائکه را رسولانی قرار داد.. و می‌دانیم که کفر و عصیان بر رسول خدا جایز نیست.

اما در پاسخ به دلیل کسانی که استثنا ابلیس از فرشتگان را مدنظر قرار دادند، باید گفت: استثنا شدن ابلیس از ملائکه، به هیچ وجه دلالت بر هم جنس بودن ابلیس با ملائکه ندارد. نهایت چیزی که از این مطلب فهمیده می‌شود، این است که ابلیس در صف ملائکه و میان آنها بوده و مانند فرشتگان مأمور به سجده شده است. حتی عده‌ای گفته‌اند: استثنا در این آیه، از نوع استثنا منقطع است؛ یعنی مستثنی منه در جمله وجود ندارد.

در توصیف ابلیس گفته‌اند حدود شش هزار سال خدا را عبادت کرده است. پس قرار گرفتن چنین موجودی (که مدت زیادی مشغول اطاعت پروردگار بوده)، در صف فرشتگان، امر چندان بعیدی نیست.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند که آیا ابلیس از ملائکه است یا جزء سایر موجودات آسمانی است؟ فرمود: نه از ملائکه است و نه از سایر موجودات آسمانی؛ بلکه او جن است؛ ولی همراه ملائک بوده است. ملائکه نیز گمان می‌کردند او از جنس آنهاست، ولی خداوند متعال می‌دانست که چنین نیست. این جریان ادامه یافت تا در جریان سجده بر آدم، راز پنهان ابلیس آشکار گشت